

## پیام کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به دانشجویان آزادی خواه ایران به مناسبت سالگرد ۱۶ آذر

### دانشجویان آزادی خواه!

دروه بر شما که در برابر میراث داریان رژیم دانشجویان پهلوی، پرچم خونین ۱۶ آذر را برافراشته اید! اگر رژیم پادشاهی توانست با کشتن شریعت رضوی ها، قتلچسپا ها، بزرگ نیا ها، و برگردن زندان ها از دانشجویان آزادی خواه، از حکم تاریخی مردم ستم کشیده ایران بگریزد، رژیم اسلامی هم با ویران کردن خوابگاه های دانشجویی، و سرکوب و کشتار دانشجویان آزادی خواه، خواهد توانست خود را از مهلکه ای که در آن افتاده است، برهاند! اگر خمینی موفق شد که با «انقلاب فرهنگی» و تصفیه خونین دانشگاه ها از دانشجویان روشنفکر و آزادی خواه، خیال استبداد اسلامی را برای همیشه از مزاحمت های دانشجویی آسوده سازد، خامنه ای هم خواهد توانست با افزودن سهمیه بسیج، دانشگاه را به کانون حمایت از ولایت فقیه تبدیل کند!

### دانشجویان مبارز!

خیزش اعتراضی شما در تیرماه ۷۸، سرفصل نازهای نه فقط برای جنبش دانشجویی، بلکه هم چنین برای جنبش آزادی خواهانه همه مردم ایران بود. جنبش دانشجویی تیر، از یک طرف عزم شما برای برگردن ریشه استبداد را فریاد کرد؛ و از طرف دیگر، پژواک نیرومند آن از طرف افشار گوناگون مردم را به گوش جهانیان رسانید. شما، با آتشی که ظلمت گستران، روزنامه ای را با آن سوزاندند، مشعل آگاهی مردم را بر افروختید و ثابت کردید که قادرید توطئه های استبداد را به ضد خود تبدیل کنید. خیزش شما نشان داد که ظرفیت سراسری شدن جنبش آزادی خواهانه دانشجویی و تبدیل آن به قیام عمومی مردم، ناچه اندازه بالاست! و وحشت سران رژیم از جنبش دانشجویی، از همین جاست.

آنان وحشت زده از خطرات جنبش دانشجویی برای رژیم قرون وسطائی و نقشی که می تواند در به حرکت درآوردن جنبش توده ای داشته باشد، به هر وسیله بقیه در صفحه ۲

## صدای مردم در سیاتل

### سارا محمود

نمایش اعتراضی مردم علیه سازمان تجارت جهانی و در دفاع از آزادی در برابر دیکتاتوری بازار از چنان عظمتی برخوردار بود که رسانه های مسلط غربی مجبور به انعکاس وسیع آن شدند، با وجود این علیرغم پوشش گسترده خبری رسانه های مزبور مضمون واقعی جنبشی که در سیاتل به نحو خیره کننده ای به نمایش گذارده شد در سایه قرار داده شد.

اولاً این تظاهراتی ناگهانی، زودجوش و زودگذر نبود، بلکه نمایشی سازمان یافته علیه یکی از مهمترین نهادهای تصمیم گیری سرمایه داری جهانی بود که از ماه ها پیش تدارکات شده بود. این یک لحظه حساس در مسیر یک راه پیمایی طولانی بود

## اسامی بخشی از قربانیان قتل های زنجیره ای وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در داخل کشور

در صفحه ۳

## تاسیس بنیاد کار

در صفحه ۴

## کارگران و زحمت کشان

در صفحه ۴

که بخشی از آن پیسوده شده و به راه خود در آینده ادامه خواهد داد.

ثانیاً این تظاهرات محلی نبود، بلکه یک جنبش بین المللی به معنای واقعی کلمه است. بیش از ۱۲۰۰ سازمان غیردولتی و اتحادیه کارگری از ۸۷ کشور جهان از جمله کشورهای جنوب یک ماه قبل از برگزاری تظاهرات پای بیانیته مقدماتی این اعتراض امضاء گذاشتند و در آن تاکید کردند سازمان تجارت جهانی در پنج ساله موجودیت خود «در خدمت اقلیتی ثروتمند عامل فقر اکثریت مردم جهان و گسترش توسعه ناپایدار تولید و مصرف بوده است».

ثالثاً، جنبشی که این اعتراض عظیم را سازمان داد ائتلافی از نیروهای ضد سرمایه داری و سازمان های مدافع حقوق مزدبگیران از یک طرف و سازمان های غیردولتی مدافع حقوق و منافع دمکراتیک عمومی مردم از طرف دیگر است. این ها دو نیرویی هستند که پس از جنگ جهانی دوم بویژه در دهه های ۶۰-۷۰ بین آن ها گسست ایجاد شد. در اعتراض سیاتل در کنار اتحادیه های کارگری و جنبش های مدافع حقوق زنان، سازمان های دفاع از محیط زیست، سازمان های مدافع حقوق کشاورزان برخی کشورهای جنوب، سازمان های دفاع از حقوق مردم شرکت داشتند. چند ماه قبل از برگزاری تظاهرات اتحادیه نیرومند فلزکاران آمریکا نیز به این اعتراض پیوست. کارفرمایان معمولاً به این گونه اتحادیه ها هشدار می دادند که از سازمان های دفاع از محیط زیست پرهیز کنند زیرا آن ها می خواهند از طریق حذف مشاغل آن ها محیط زیست را نجات دهند. اما در سیاتل اتحاد این دو نیرو، دفاع از خواست «اشتغال مطمئن و پایدار» توان جدیدی به جنبش داد.

آن چه این تعداد بزرگ از سازمان ها را که در حوزه های مختلف کار می کنند و اهداف متمایزی را دنبال می کنند بهم نزدیک کرد و آن ها را به اقدام متحد واداشت تهدید واقعی و عملی سازمان تجارت جهانی به عنوان یکی از مقتدرترین و مؤثرترین نهادهای سرمایه داری است که علیه اهداف همه آن ها عمل می کند. به عبارت دیگر یک ائتلاف ایدئولوژیک مقدم بر این ائتلاف سیاسی نیست. در واقع این سازمان ها و فعالین آن در سطح نظری از تنوع فکری و اختلاف نظری برخوردارند و در سطوح متفاوت عمل می کنند. این امر نشان می دهد ده سال از اعلام «پایان تاریخ» و جشن پیروزی سرمایه داری و بازار یک جنبش نوین توده ای علیه سرمایه داری از دل واقعیت برمی خیزد. همین واقعیت بقیه در صفحه ۲

## دنباله از صفحه ۱ پیام کمیته مرکزی سازمان.....

ممکن برای مهار و متلاشی کردن آن متوسل شده‌اند: از یک سو چوبه‌های دار بر پا می‌کنند؛ از محکوم شدن برخی از دانشجویان دستگیر شده به اعدام خبر می‌دهند، و پی‌درپی، مانورهای بسیج و سپاه راه می‌اندازند تا دانشجویان را مرعوب کنند؛ و از دیگر سو با دامن زدن به تقسیم بندی‌های مصنوعی میان دانشجویان، با ایجاد چنددستگی می‌کوشند تا این جنبش را از درون، سست و شکننده سازند؛ و از طرف دیگر با ترتیب دادن جلسات دیدار با دانشجویان و مجیزگوئی‌ها و دل‌جوئی‌های ریاکارانه از آنان، می‌کوشند اعتماد دانشجویان را جلب کرده و با شعارها و وعده‌های توخالی، چاشنی انفجاری جنبش دانشجویی را بیرون بکشند.

## دانشجویان آزادی‌خواه و رزمنده!

نقشه سران رژیم این است که جنبش شما را مرعوب، از درون متلاشی، و از جنبش‌های اعتراضی و حق‌طلبانه دیگر اقشار مردم، منزوی سازند. هشیار باشید و این نقشه را نقش بر آب کنید! جاسوسان و بسیجیان را از صفوف خود برانید! به تبسم‌های دروغین و وعده‌های پوچ اصلاح طلبان درون حکومتی (که امتحان‌شان را در همدستی ننگین با جناح تمامیت‌خواه برای سرکوب خیزش دانشجویی - مردمی تیرماه پس دادند) امید میندید! مستقل باشید! متشکل شوید و تشکل‌های خود را متحد کنید! ازهراس افکنی‌های آدم‌کشان، ترس به خود راه ندهید! جنبش دانشجویی را از راه پیوند آن با جنبش‌های اعتراضی و حق‌طلبانه جوانان، زنان، کارگران و زحمت‌کشان، روشن‌فکران، نویسندگان و هنرمندان، مطبوعاتیان، ملیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی تحت ستم، در حصار شکست ناپذیر مقاومت توده‌ای و سراسری بیمه کنید! شما، فرزندان یا خواهران و برادران آنان! اید و اقیانوسی از ذخیره حمایتی آنان را در اختیار دارید. رژیم، هر اندازه هم که نیرومند و آدم‌خوار باشد، نمی‌تواند همه مردم کشور را به بند بگشد یا بگشد. بدانید که هراس‌افکنی‌های سران رژیم، از هراسی است که خیزش تیرماه به جان‌شان انداخته است. آنان می‌دانند که بستن دهانه آتشفشان تیر با شفته خون و باروت، دوامی نخواهد آورد. آنان از خوف دهان بازگردن پیاپی آتشفشان‌های بی‌تاب و پرشماری بر خود می‌لرزند که بر روی آن‌ها نشسته‌اند. استراتژی آنان، جدا و منزوی کردن جنبش‌های گوناگون اعتراضی و حق‌طلبانه مردم است تا یک به یک، آن‌ها را پراکنده ساخته، به شکست بکشانند. متشکل و متحد شوید؛ با جنبش‌های آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه اقشار مختلف مردم در هم بیاورید؛ به آگاهی، تشکل و اتحاد صفوف آنان کمک کنید و نقشه‌های شوم رژیم ظلم و ظلمت را به شکست بکشانید! پرچم خونین ۱۶ آذر را به میان مردم ببرید، و شعار جاویدان آن را به شعار همه مردم ستم‌کشیده تبدیل کنید:

## اتحاد، مبارزه، پیروزی!

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۵ آذر ۱۳۷۸

## دنباله از صفحه ۱ صدای مردم در سیاتل

مبین آنست که اعتراض سیاتل - آن‌طور که رسانه‌ها یادآوری کرده‌اند - بزرگترین جنبش سیاسی آمریکا پس از کنوانسیون دموکراتیک در ۱۹۶۸ است. تلاش مقامات بوروکراتیک و نیروهای طرفدار سازمان تجارت جهانی برای این که هسته اصلی فعالین را عده‌ای از جوانان آتارشیست جلوه دهند با توجه به طیف گسترده‌ای که در اعتراض شرکت کردند و تنوع سنی آن‌ها شکست خورده است. البته جوانان بخش مهمی از جنبش را تشکیل می‌دهند. این خود نشانه پویندگی جنبش است که مثل همه جنبش‌های عمومی تحرک بالای خود را از مشارکت فعال نسل جوان بدست می‌آورد. آرمان‌گرایی این خیل عظیم جوانان و تمایل آن‌ها به درگیر کردن خود در مسایل اجتماعی نویدبخش جنبشی علیه نظم کهنه و بر له ایجاد نظمی بالاتر است نه تمایل به بی‌نظمی مطلق. در سیاتل سازمان دهندگان اعتراض با اطلاع از ایراد چنین اتهامی از قبل قواعد محکمی وضع کرده بودند: اعتراض کنندگان نباید به خشونت و خرابکاری متوسل می‌شدند، مصرف الکل و مواد مخدر قدغن شده بود و قرار بود یک «کلکتیو وکلا» وکالت کسانی را که احتمالاً دستگیر می‌شدند بعهده بگیرد.

سازمان تجارت جهانی که انگیزه اعتراض متحد چنین طیف گسترده‌ای از نیروهای مدافع حقوق انسانی را فراهم آورد یک سازمان بوروکراتیک است که تقریباً همه حوزه‌های فعالیت بشری را تحت کنترل گرفته است. بر خلاف گات، که این سازمان جانشین آن شده است، این نهاد موقعیت یک سازمان بین‌المللی را دارد که هم‌اکنون ۱۳۴ دولت عضو آن هستند و ۳۰ دولت بعنوان ناظر در آن شرکت می‌کنند. علاوه بر برداشتن موانع سر راه تجارت کالاهای صنعتی و کشاورزی، این سازمان کنترل بر حوزه خدمات از جمله بهداشت، آموزش و محیط زیست را هم بعهده دارد. قواعدی که این سازمان به نفع تجارت و در واقع به نفع شرکت‌های چند ملیتی اتخاذ می‌کند، مقدم بر قواعدی که طبق توافقات بین‌المللی وضع شده است و مقدم بر قواعدی که دولت‌های منفرد وضع می‌کنند محسوب می‌شود. بر این اساس ۷۰ توافق بین‌المللی که به زحمت در حوزه محیط زیست بدست آمده و تاکنون هم بخش‌های عظیم آن به اجرا گذاشته نشده، از نظر این سازمان می‌توانند به راحتی "موانع گمرکی" محسوب شده و لغو شوند. و نیز بر این اساس مقرراتی که دولت‌های ملی مثلاً برای جلوگیری از گرسنگی مردم از طریق ممانعت صدور مایحتاج غذایی، یا بهداشت و سلامت، مثلاً از طریق ممنوع کردن کالاهای سرطان‌زا وضع می‌کنند یا باید لغو شوند یا "مجازات" گردند. دولت‌ها بر این اساس دیگر حق تعیین الویت‌های ملی در تجارت خارجی را نخواهند داشت و بسیاری از مقررات برای آموزش مردم و یا ارتقاء بهداشت "مانع گمرکی" محسوب

خواهند شد. این مضمون عملکرد ارتجاعی با یک روند تصمیم‌گیری ارتجاعی و به شدت ضددموکراتیک تکمیل می‌شود. بر خلاف گات که در صورت شکایت یک کشور باید همه کشورهای عضو از جمله کشوری که برای آن تقاضای مجازات می‌شد، رأی می‌دادند، در سازمان تجارت جهانی یک ارگان تصمیم‌گیری تعیین شده و اسامی شکایت کنندگان و شکایت شوندگان اعلام نمی‌شوند. مضمون قانونی ارتجاعی که منافع تجارت و کورپوراسیون‌ها را مقدم بر منافع انسان و محیط زیست او قرار می‌دهد، و روند کار قانونی غیردموکراتیک گویا هنوز کافی نیست، این همه را "لایه" های کورپوراسیون‌ها تکمیل می‌کنند. این لایه‌ها یا غیرمستقیم و از طریق نمایندگان دولتی عمل می‌کنند، یا خود مستقیماً در درون نهاد نشسته‌اند. مثلاً مدیرعامل شرکت بوئینگ که فروش آن ۴۰ میلیارد دلار در سال است معاون رئیس کمیته برگزار کننده اجلاس سیاتل، سازمان تجارت جهانی است، و رابرت شاپیر از هیأت مدیره شرکت مونساتو که اخیراً درمقابل اعتراض توده‌ای بین‌المللی مصرف کنندگان و سقوط سهام آن مجبور شد عرق‌ریزان اعتراف کند که در مورد محصولات اصلاح شده ژنتیکی به مردم دروغ گفته، بعنوان نماینده آمریکا در مذاکرات مربوط به تجارت غلات در سیاتل شرکت داشت.

در مجموع سازمان تجارت جهانی با این مضمون عملکرد، با این روال کار و با نفوذ شرکت‌های چندملیتی که اقتدار آن را در اختیار گرفته‌اند منافع تجارت را از طریق له کردن آزادی‌ها و اختیارات ملت‌ها و مصرف کنندگان مقدم بر منافع مردم و محیط زیست قرار داده، و حتی در این چارچوب هم منافع سرمایه‌داری بزرگ را بر تجارت ضعیف‌ها و منافع کشورهای شروتمند شمال را بر منافع کشورهای فقیر جنوب الویت می‌دهد.

اعتراض شکوهمند سیاتل این چهره مخوف را درمقابل چشم جهانیان گذاشت و آن را بی‌اعتبار کرد. آن‌ها دیگر مجبورند با سرهای افکنده در اجلاس‌های بعدی شرکت کنند و وجود خود را برای مردم "توجیه" کنند. این بزرگ‌ترین دستاورد سیاتل در جهت ارتقاء آگاهی مردم بود.

بیل کلینتون در پیامی به تظاهرکنندگان گفت او با آن‌ها احساس همدردی می‌کند و یادآوری کرد: «از این به بعد مردم بیشتری تلاش خواهند کرد که صدای‌شان شنیده شود و این خوب است!؟» در همان روز در سیاتل حکومت نظامی اعلام شده بود، و پلیس سیاه‌پوش با گاز اشک‌آور به معترضین حمله می‌کرد. اعتراض سیاتل تضاد بین آن‌چه را که دست‌های مقامات امضاء می‌کنند و آن‌چه را که لب‌های‌شان برای فریب مردم بازگو می‌کنند نیز به نمایش گذاشت. بی‌اعتمادی به دولت‌های بوروکراتیک سرمایه‌داری یکی از مشخصات این جنبش است و بنابراین افزایش عمل کرد دولت‌ها را نیز باید یکی از دستاوردهای سیاتل به‌شمار آورد.

## اسامی بخشی از قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای وزارت اطلاعات رژیم اسلامی در داخل کشور

در باسرمه. ۹۵- عبدالکریم جلالی، ۲۱ مارس ۹۶ در کوی سنجق. ۶۸- سالار جلالی، ۱ سپتامبر ۹۲ در نوسود. ۶۹- محمد جلیل، ۲۱ سپتامبر ۹۱ در پیرانشهر. ۷۰- رفعت حسینی، ۸ دسامبر ۹۷ در کوی سنجق. ۷۱- الماس خدر، ۱ سپتامبر ۹۱ در اشنویه. ۷۲- محمود رحمانی، ۲ ژوئن ۹۲ در پیرانشهر. ۷۳- اصغر رستمی، ۲۴ اوت ۹۵ در ویلاز رستم. ۷۴- عطا رضاپور، ۲۰ اوت ۹۰ در سقز. ۷۵- ابراهیم رحمانی، ۱۹ ژوئیه ۹۵ در کامیاران. ۷۶- احمد روئین‌تن، ۱۹ ژوئیه ۹۴ در ارومیه. ۷۷- عبدالله ربانی، سال ۹۴ در دره لیانکان. ۷۸- علی زکاته، ۱۹ اوت ۹۵ در بوکان. ۷۹- خالد سقزی، سال ۹۱ در سقز. ۸۰- پورمحمد شیخه، ۱۱ دسامبر ۹۲ در سنگسر. ۸۱- رضا شریفی، ۱۴ سپتامبر ۹۶ در سقز. ۸۲- کامران شفائی، سال ۹۲ در مهاباد. ۸۳- محمد شیخه، ۷ دسامبر ۹۴ در سقز. ۸۴- ابراهیم شیخی، ۱۷ ژوئیه ۹۲ در بوکان. ۸۵- یدالله شیرین شوخان، ۸ دسامبر ۹۷ در کوی سنجق. ۸۶- مهران طاهری، ۱۶ اوت ۹۴ ارومیه. ۸۷- اسفندیار طاهری، ۱۲ اوت ۹۴ در ارومیه. ۸۸- محمد عبدالهلی، ۱ آوریل ۹۵ در باسرمه. ۸۹- صادق عبدالطاهو، ۲۱ دسامبر ۹۵ در کوی سنجق. ۹۰- حسن علی‌پور، ۲۹ سپتامبر ۹۱ پیرانشهر. ۹۱- جعفر عمریل، ۲۰ نوامبر ۹۶ در کوی سنجق. ۹۲- شاپور فیروزی، ۱ ژوئیه ۹۲ در کامیاران. ۹۳- محمدرسول قادرزاده، ۲۰ نوامبر ۹۶ در کوی سنجق. ۹۴- کمال قادرزاده، سال ۹۱ در مریوان. ۹۵- کله مامه، ۱۴ ژوئن ۹۴ در سردشت. ۹۶- محمود مجاهدی، ۳ نوامبر ۹۳ در حاجی‌آباد. ۹۷- محمد پور، سال ۹۴ در بازیان. ۹۸- مراد محمدزاده، ۱۹ ژوئن ۹۴ در ارومیه. ۹۹- هادی محمودی، ژوئن ۹۲ در اورامانات. ۱۰۰- سعید مرادی، ۱۹ اوت ۹۷ در بوکان. ۱۰۱- شاهو مرادی، ۱۲ نوامبر ۹۳ در بندخان. ۱۰۲- محمد امین مکرولی، ۱ سپتامبر ۹۲ پیرانشهر. ۱۰۳- طاهر منوچهری، ۱۲ دسامبر ۹۲ در بندخان. ۱۰۴- غفور مهدی‌زاده، ۲۴ اوت ۹۴ در کوی سنجق. ۱۰۵- محمد مهربانی، سال ۹۳ در باریکه. ۱۰۶- سید منصور ناصری، ۸ دسامبر ۹۷ در کوی سنجق. ۱۰۷- رشید رستمی، ۱۳ دسامبر ۹۲ در بندخان.

تذکر: لیست اسامی فوق از نشریه انقلاب اسلامی شماره ۴۷۷ گرفته شده که با تلخیص آورده شده است. در همان‌جا آمده است که قربانیان از شماره ۶۲ تا ۱۰۷ از افراد حزب دمکرات کردستان ایران بوده‌اند

۲۸- پیروز دوانی. ۲۹- رستمی، در همدان ربوده و کشته شد. ۳۰- فاطمه قائم‌مقامی، به دستور فلاحیان کشته شده است. ۳۱- زهرا افتخاری- در ۱ اسفند ۷۶ ربوده و سپس کشته شد. ۳۲- ناصر سبحانی. از شاگردان مفتی‌زاده ۳۳- قیدی از پرسنل نیروی هوایی جنازه او را که با ۳۰ ضربه چاقو کشته شده بود در سعادت‌آباد پیدا کردند. ۳۴- حسین فتاپور، (آذر ۷۸)، در برابر خانه‌اش کشته شد. ۳۵ و ۳۶- فرزین مقصود و خواهرزاده‌اش، در اسفند ۷۵ با ضربات چاقو کشته شدند. ۳۷- عزت‌الله علی‌زاده، او را "خودکشی" کردند. ۳۸- خسرو قشقائی. پس از دریافت امان‌نامه از خمینی با تلاش رجبعلی ملایری که به رؤیت هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای رسیده بود، در حمام خانه رجبعلی ملایری توسط مصطفی کاظمی در شیراز دستگیر شد. ۳۹- مجید شریف آبان ۷۷ ۴۰- داریوش فروهر آبان ۷۷. ۴۱- پروانه اسکندری فروهر آبان ۷۷ با ۳۰ ضربه چاقو ۴۲- محمد مختاری آذر ۷۷ بوسیله طناب خفه شد ۴۳- محمدجعفر پوینده آذر ۷۷ توسط طناب خفه شد ۴۴- شمس‌الدین امیرعلائی، هم‌کار مصدق و اولین سفیر ایران پس از انقلاب اسلامی در فرانسه، در مرداد ۷۳ در اثر تصادف ساختگی کشته شد. ۴۵ و ۴۶- مهندس کریم جلی و همسر او فاطمه اسلامی، در ۲۶ دیماه ۷۷ در منزل خود به قتل رسیدند. ۴۷ و ۴۸- جواد امامی کارشناس دادگستری و همسرش سونیا آل‌یاسین در ۲۵ دی‌ماه ۷۷ در خانه‌ی خود در تهران کشته شدند. ۴۹- زهره ایزدی، دانشجوی پزشکی دانشگاه تهران، در سال ۷۳ کشته شد. ۵۰- دکتر جمشید پرتوی، متخصص بیماری‌های قلبی، پزشک مخصوص احمدخمینی در ۲۴ دیماه ۷۷ در خانه خود کشته شد. ۵۱- خاکسار در تهران ۵۲- محمد روانبخش، کشیش (با نام محمدباقر یوسفی نیز گزارش شده) در مهر ۷۵ در ساری. ۵۳- حسن شاه‌جمالی (مسلمان مسیحی شده) در مرداد ۷۳. ۵۴- محمد نظری، عضو حزب رنجبران در بندخان ۱۲ دسامبر ۹۲. ۵۵- کریم نورعلی، وی را از ترکیه به ایران آوردند. ۵۶- محمد بابائی سقز ۱۹۹۶. ۵۷- عبدالله باک، ۱۹ ژوئیه ۹۵ در بوکان. ۵۸- عثمان زورایی، در سال ۹۱ سردشت. ۵۹- کمال زورائی، سال ۹۱ در سردشت. ۶۰- احمد فاطمی، ۱۲ اوت ۹۲ در سردشت. ۶۱- محمد نانوتی، ۱۲ ژانویه ۹۵ در بازیان. ۶۲- علی تالوره، در ژوئن ۹۲ مریوان. ۶۳- بهروز تقی‌زاده، ۱۶ اوت ۹۴ در ارومیه. ۶۴- سراج‌الدین جاجوری، ۲۲ اوت ۹۴ در ارومیه. ۶۵- محمد سعید جادری، ۲۲ دسامبر ۹۴ در کوی سانجاق ۶۶- جاکرده، ۱ آوریل

۷۱- منوچهر صانعی کارمندی که بر روی اسناد و مدارک بنیاد مستضعفان کار می‌کرده و فیروزه کلاتتری، در ۲۸ بهمن ماه ۷۵ مفقود شدند و جسد‌های‌شان در ۳ اسفند درحالی‌که با ۱۳ ضربه چاقو کشته شده بودند، کشف شد. ۳- دکتر احمد تفضلی، محقق و نویسنده، در راه خانه خود مفقود شد. جنازه او روز بعد در حوالی تهران "کشف شد". جمعه‌اش شکسته و استخوان‌های پا و دست وی از جا درآورده شده بود. ۴- مهندس حسین برازنده، مفقود در مشهد. در تاریخ ۱۶.۱۰.۷۳ جنازه او در نزدیکی زندان وکیل‌آباد کشف شد. او فردی مذهبی که تملق از سران رژیم را شرک آلود می‌دانست. ۵- احمد میرعلائی در ۷۴.۸.۲ به قتل رسید. ۶- دکتر فلاح یزدی که در جلو چشمان فرزندان‌ش به قتل رسید. او پزشک حسین‌علی منتظری بود ۷- سعیدی سیرجانی، در سال ۷۲ به جرم‌های مختلف از قبیل، ارتباط با سیا و خرید و فروش مواد مخدر دستگیر، و در ۶ آذر ۷۳ به دست سعید امامی کشته می‌شود. ۸- معصومه مصدق، دختر دکتر غلامحسین مصدق، و نوه محمد مصدق. ۹- ابراهیم زال‌زاده در تاریخ ۷۵.۱۲.۵ ناپدید و در فروردین ۷۶ به قتل رسید. سینه و پشت او را با ۱۵ ضربه کارد، پاره پاره کرده بودند. ۱۰- کشیش دیباج در مرداد ۱۳۷۳ در کرج. ۱۱- کشیش میکائیلیان در کرج، مرداد ۱۳۷۳. ۱۲- کشیش هایک هوسپیان، در مرداد ۱۳۷۳ در کرج. ۱۳- سیامک سنجر، در ۱۳ آبان ۷۵، در سن ۲۸ سالگی و در آستانه جشن ازدواج، کشته شد. ۱۴- خانم برقی در واواک قم به قتل رسیده است. ۱۵- علیان نجف‌آبادی، در دی‌ماه ۷۵ مفقود شده است. ۱۶- امیر غفوری، در اسفند ۷۵ مفقود شد. ۱۷- سیدمحمود میدانی، در فروردین ۷۶ مفقود شد. ۱۸- غفار حسینی، در آبان ۷۵ در اصفهان ربوده و کشته شد. ۱۹- و ۲۰- حمید حاجی‌زاده و فرزند ۹ ساله‌اش کارون در کرمان در خانه‌شان کشته شدند. ۲۱- حسین سرشار، خواننده اپرا، به جرم دوستی با سعید سیرجانی، او را پس از دستگیری مورد شکنجه قرار دادند که بر اثر آن حافظه خود را از دست داد. وی را در آبادان رها کرده و توسط یک تصادف ساختگی به قتل رساندند. ۲۲- محمدتقی زهتابی مورخ و زبان‌شناس (۹ دیماه ۷۷). ۲۳- شیخ محمد ضیائی، امام جمعه بندرعباس (۱۳ دیماه ۷۷). ۲۴- احمد میرین‌صیاد، استاد دانشگاه (دیماه ۷۷). ۲۵- ماموستا ربیعی، امام جمعه کرمانشاه. ۲۶- ماموستا فاروق، امام جماعت در ک-رمانشاه. ۲۷- کاظمی استاد دانشگاه.

## تاسیس "بنیاد کار"

## کارگران و زحمت‌کشان

در اواخر نوامبر ۹۹، گروهی از فعالین کمونیست جنبش کارگری با برگزاری کنفرانسی "بنیاد کار" را تاسیس کردند. در پی این اقدام در ۲۷ نوامبر بیانیه‌ای به امضای هیئت برگزارکننده «کنفرانس فعالین کمونیست جنبش کارگری» انتشار یافت که در قسمت‌های از آن آمده است:

«ما امضاء کنندگان این توافقنامه، به منظور تقویت مبارزات و تشکیل یابی توده‌ای و حزبی کارگران در ایران و همچنین ادای سهم در پیشبرد همبستگی بین‌المللی کارگری ایجاد «بنیادکار» را اعلام می‌کنیم. بنیاد تلاش خواهد کرد تا در اسرع وقت پیشبرد فعالیت‌های زیر را سازمان دهد:

- ۱- ایجاد صندوق همیاری کارگری
- ۲- اشاعه ادبیات کارگری از طریق ترجمه و انتشار کتب و نشریات
- ۳- ایجاد پژوهشکده کارگری
- ۴- ایجاد یک نهاد بین‌المللی در حمایت از حقوق و مبارزات کارگران ایران و تلاش برای پشتیبانی از مبارزات کارگران جهان
- ۵- گردآوری و انتشار تاریخ شفاهی، کتبی و تصویری جنبش کارگری و معرفی پیش‌کسوتان جنبش کارگری و تقدیر از آنها
- ۶- برگزاری سمینار و کنفرانس جهت بحث و تبادل نظر در باره موقعیت کارگران ایران و چگونگی تشکیل توده‌ای و حزبی طبقه کارگر

این کنفرانس همچنین متنی را در تجلیل از آلبرت سهرابیان، فعال قدیمی جنبش کارگری ایران تصویب کرد که شرکت‌کنندگان در کنفرانس آن را امضاء کردند. و در نامه‌ای به او نوشتند: «پیام گرم و صمیمانه شما در کنفرانس خوانده شد... ما نیز خود را در جوهر پیام شما به کنفرانس شریک می‌دانیم و ضمن اعلام همبستگی با شما، امیدواریم بتوانیم در کنارتان برای وحدت جنبش کارگری کمونیستی تلاش وزیریم».

آلبرت سهرابیان از مبارزان قدیمی جنبش کارگری و کمونیستی کشورمان که شش دهه در راه آرمان‌های والای طبقه کارگر مبارزه کرده است در پیام خود به نخستین کنفرانس "بنیاد کار"

آورده بود:

«درودهای گرم کمونیستی را تقدیم رفقای می‌نمائیم که در شرایط حساس کشورمان در کنار هم گرد آمده و در صدد راهجویی برای جنبش کارگری و کمونیستی کشورمان هستند.....

تردیدی نیست که یکی از میراث‌های شوم "سوسیالیسم موجود" انحصارگرایی و مطلق‌بینی جریانات کمونیستی بود که خود را تنها حامل و ضامن حقیقت می‌دانستند. ... در یک کلمه می‌توان این تفکر را بدترین شکل بروز فرقه‌گرایی در جنبش کارگری و کمونیستی نامید. رفقای عزیز، من خود در طول پنجاه سال مبارزه در صف جنبش کارگری و کمونیستی ایران درد تفرقه‌گرایی را با پوست و گوشت خود حس کرده‌ام که اگر بخواهم بطور مستند به بیان آن پردازم مثنوی هفتاد من خواهد شد. رفقای عزیز، بدین ترتیب یکی از پیش‌شرط‌های احیاء جنبش کارگری و کمونیستی ایران وداع گفتن با این تفرقه‌گرایی و نقطه پایان نهادن به آن است. این کار زمانی انجام خواهد شد که همه جریانات مبارز و پیشرو طبقه کارگر ضمن حفظ احترام به اختلاف عقاید بر روی نقاط اشتراک خود - که بسیار بیشتر از اختلافات فیما بین است - با هم متحد شده و جبهه نیرومندی علیه استبداد و سرمایه در ایران به وجود بیاورند.

رفقای عزیز،

من ضمن تبریک مجدد گردهمایی شما، امیدوارم که تشکل شما مانند آن روش ناپسند مرسوم در جنبش ما، تجمعی برای مرزبندی (تخطئه) ایجاد مرزبندی‌های (مصنوعی) با دیگر گرایشات و تشکل‌های جنبش و بنابراین ایجاد فرقه‌ای در برابر دیگر فرقه‌های موجود در جنبش نبوده و هویت خود را نه با نفی دیگران بلکه با بلند کردن پرچم اتحاد همه گرایشات رزمنده جنبش کمونیستی و کارگری کشورمان تعریف کند. اگر همه اتحاد رزمنده جنبش کارگری و کمونیستی ایران، مخصوصاً در این شرایط حساس و خطیر، همین روش را پیشه خود سازند مسلماً اولین پیش شرط برای پیش‌روی‌های بزرگ فراهم خواهد شد».

## تحصن کارآموزان فنی و حرفه‌ای شرکت نفت

در روز یکشنبه ۱۶ آبان ۷۸ ۶۰ نفر از کارآموزان فنی و حرفه‌ای شرکت نفت در اعتراض به بی‌کاری و عدم اشتغال خود در شرکت نفت، از اهواز به تهران آمده و در مقابل ساختمان وزارت نفت در خیابان طالقانی تهران تحصن کردند. پیش از این، آنان دسته جمعی به ساختمان اصلی شرکت نفت در اهواز رفته و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شده بودند. که با بی‌اعتنایی و ناسازگویی مسئولان شرکت نفت اهواز روبرو شده بودند.

تحصن‌کنندگان در برابر وزارت نفت می‌گفتند که پس از گذشت ۵ سال از پایان دوره آموزشی، وزارت نفت از جذب و اشتغال آنان در مراکز که برای کار در آن‌ها آموزش دیده‌اند معانعت می‌کند و پاسخ درستی به خواسته‌ی آنان نمی‌دهد. آنان همچنین می‌گفتند، برخی از افراد با مدرک سیکل به مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای شرکت نفت وارد شده‌اند و در دوران آموزش حتماً به آن‌ها اجازه داده نشد تا بطور شبانه به ادامه تحصیل و اخذ مدرک دیپلم بپردازند، ولی امروز که زمان جذب رسیده، عنوان می‌شود که افراد دیپلمه برای کار ارجعیت دارند. پس از گذشت چندین ساعت از تحصن کارآموزان و مذاکره نمایندگان آنان با مسئولان وزارت نفت، یکی از مسئولان وزارت نفت به میان تحصن‌کنندگان آمده و اعلام کرد که طی ده روز آینده به طور قطع افراد دیپلمه مشغول به کار خواهند شد و برای افراد زیردیپلم نیز راهی پیدا خواهند کرد.

## «فوکا صنعت» در آستانه تعطیلی

کارخانه فوکا صنعت، تولیدکننده‌ی لواز خانگی در استان همدان در آستانه‌ی ورشکستگی قرار گرفته و ۱۸۵ کارگر آن در نگرانی و بلا تکلیفی به سر می‌برند. به علاوه این کارگران هنوز دست‌مزدهای مهر و آبان خود را دریافت نکرده‌ان. گفتنی است این کارخانه که قبلاً تحت پوشش بنیاد شهید قرار داشت در سال ۷۴ به بخش خصوصی واگذار شده است.

## نبرد اختن دست‌مزد کارگران در کارخانه‌های کیلانه

در بسیاری از کارخانه‌های کیلان، هم چون دیگر جاهای ایران دست‌مزد کارگران پرداخت نمی‌شود. در واحدهایی

نظیر «چوب‌اسالم»، «کیلان پاک»، «تن‌ساز»، «ایران جیکا»، «نساجی شمال»، «شیرپاستوریزه»، «گفش گنجه»، «پرسان»، «آسانسورسازی کیلان» و چندین واحد دیگر کارگران از ۲۴ تا ۲۶ ماهه حقوق نگرفته‌اند و واحدهایی نظیر «آکومکت»، «صنایع چوب»، «یدکی کیلان»، «آرپاموکت» و «آسانسورسازی کیلان» در آستانه‌ی تعطیلی قرار دارند و با تعطیلی این واحدها، صدها کارگر دیگر به خیل عظیم بی‌کاران افزوده خواهند شد.

## اجتماع اعتراضی کارگران فرش اکیباتان

روز شنبه ۱۳ آذرماه ۷۸ - ۲۵۰ نفر از کارگران شرکت فرش اکیباتان قزوین واقع در شهر صنعتی البرز قزوین در اعتراض به تعطیلی کارخانه و عدم پرداخت ۸ ماه حقوق و مزایای خود، در مقابل سازمان بازنشستگی تهران در میدان فاطمی گردهم آمدند. گفتنی است سهام این شرکت، متعلق به سازمان صنایع ملی و سازمان بازنشستگی است.

## اعتراض کارگران شرکت عطانیسه همدان

۲۴۰ از کارگران شرکت عطانیسه ساوه در اعتراض به تصمیم مدیریت این شرکت در مورد عدم پرداخت حقوق مهر و آبان، در روز دوشنبه ۸ آذرماه در مقابل اداره کار و امور اجتماعی شهرستان ساوه اجتماع کردند و خواهان دریافت حقوق خود شدند.

## اعتراض کارگران چای جهان

کارگران کارخانه «چای جهان» شهر ری به تعطیلی کارخانه اعتراض کردند. تعطیلی این کارخانه باعث بیکاری بیش از ۴۰ نفر از کارگران شده است. گفته می‌شود ورود بی‌رویه کالاهای خارجی یکی از دلایل تعطیلی این کارخانه و دیگر کارخانه‌هاست.

## کارگران نساجی مازندران در آستانه اعتصاب

کارگران کارخانه نساجی مازندران واقع در قائم‌شهر، به دلیل عدم پرداخت دست‌مزدهای معوقه خود در آستانه اعتصاب قرار دارند.

## کارگران طبس در معرض بیکاری

با رکود واحدهای تولیدی در شهرک صنعتی طبس، بیش از صد کارگر شاغل در این واحدها در معرض بیکاری قرار دارند.